

با کدام آبرویی روز شمارش باشیم
 کاروان سحرش مال همه، جا دارد
 سالها منتظر سیصد و اندی مرد است
 بارها کار دل ما به دستش افتاد
 گیرم امروز به ما اذن ملاقاتی داد
 ما چرا؟ خوبترین ها به فدای قدمش
 اگر آمد خیر رفتن ما را ببرید
 (علی اکبر لطیفیان)

عصرها منتظر صبح بهارش باشیم
 تا که جا هست، چرا گرد و غبارش باشیم
 آنقدر مرد نبودیم که یارش باشیم
 یادمان رفت که ما در پی کارش باشیم
 مرکبی نیست که راهی دیارش باشیم
 حیف او نیست که ما میثم دارش باشیم؟
 به گمانم که بنا نیست کنارش باشیم

بال هایم هوس با تو پریدن دارد
 دلربای دل عشاقی و تا روز جزا
 کمر ارض و سما با همه سنگینی خود
 با غلامی شما بار خودم را بستم
 یا قتیل العبره بهر شما از چشمم
 مرغ قلبم به هوای حرمت در سینه
 اربعینی ز نجف تا حرم کرب و بلا
 طوف بین الحرمین روزی این نوکر کن
 دور و اطراف ضریحت چو نسیمی خوش بو
 لحظه ی نصب تماشایی آن پرچم سرخ
 وقت شرعی حریمت وسط همهمه ها
 در دل قبر به عشق تو دهانم باز است
 من شنیدم سر عشاق به زانوی شماست

بوسه از خاکِ قدم های تو چیدن دارد
 ناز چشمان سیاه تو خریدن دارد
 زیر بار غمت ای شاه خمیدن دارد
 توشه ی عشق تو بر شانه کشیدن دارد
 قطره قطره گوهر اشک چکیدن دارد
 روز و شب می پرد و شوق تپیدن دارد
 پای تاول زده ام عزم رسیدن دارد
 که در آن سعی و صفا قصد دویدن دارد
 نیمه شب رایحه ی سیب وزیدن دارد
 شور شیدایی زوار تو دیدن دارد
 از سر ماذنه تکبیر شنیدن دارد
 تربت کرب و بلا ی تو چشیدن دارد
 و از آن روز سرم میل بریدن دارد

زبان حال حضرت حر

یوسف زهرا! ز شما پُر شدم تا که اسیر تو شدم حُر شدم*
 از دل دشمن به سویت پر زدم آدمم و حلقه بر این در زدم
 آمده ام تا که قبولم کنی خاک ره آل رسولم کنی
 حُرّ پشیمان توام یا حسین دست به دامان توام یا حسین
 یک نگه افکن همه هستم بگیر ای پسر فاطمه دستم بگیر *روز نخستین به تو دل باختم در دل من بودی و نشناختم
 دست نیاز من و دامان تو کوه گناه من و غفران تو *ناله العفو بُود بر لبم تا صف محشر خجل از زینم*
 روی علی اکبر تو دیدنی است دست علمدار تو بوسیدنی است *مهر تو کُلّ آبروی من است هستی من خون گلوی من است
 چه می شود کشته راهت شوم؟ خاک قدم های سپاهت شوم؟
 حُرّ ریاحی به درت آمده فطرس بی بال و پرت آمده *با نگه خویش کمالم بده وز کرم خود پر و بالم بده
 بال من از تیغه شمشیرهاست سینه تنگم سپر تیرهاست
 مقتل خون، اوج کمال من است تیر محبت پر و بال من است *بال بده، فطرس دیگر شوم طوطی گهواره اصغر شوم